

هویت اسلامی - ایرانی از دیدگاه نظریه آشوب و پیچیدگی

سید حمداله اکوانی، استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه یاسوج*

سید ولی موسوی نژاد، دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی

چکیده

در جهان امروز برخورداری از هویت‌های چندگانه ملی، محلی، بین‌المللی، دینی، شغلی، جنسیتی، حرفه‌ای، گروهی، قومی، زبانی و ... جزئی از اقتضات زندگی اجتماعی است. این هویت‌های چندگانه و پیچیدگی آنها ما را متوجه این سؤال می‌کند که هویت اسلامی ایرانی در دوره حاضر تحت تأثیر چه عناصری قرار می‌گیرد و این عناصر چگونه به شکل‌گیری، شکوفایی و زوال این هویت منجر می‌شود. ما برای پاسخگویی به این پرسش، این فرضیه را به آزمون می‌گذاریم که هویت ایرانی - اسلامی تحت تأثیر عناصر متعامل گوناگون و بازیگران بشمار، به صورت خودسازماندهی شده‌ای سامان می‌یابد و آسیب‌های آن به صورت خود ترمیمی درمان می‌شود. برای آزمون این فرضیه از نظریه آشوب که نظریه شناخت سیستم‌های پیچیده است، استفاده می‌کنیم. ما در این تحقیق به این نتیجه رسیدیم که عناصر هویت ساز نه به صورت هرمی، بلکه به صورت شبکه‌ای رفتار می‌کنند. ویژگی‌های هویتی به صورت خودمانندی در همه بخش‌های آن تکرار می‌شوند. هویت اسلامی - ایرانی به خودترمیمی می‌پردازد و به پدیده‌های بسیار کوچک که اغلب نادیده گرفته می‌شود، حساس است و همه این رفتارها به صورت خودسازماندهی شده‌ای صورت می‌گیرد و در نهایت اینکه برای سامان هویت اسلامی - ایرانی در این سیستم آشوبناک و پیچیده باید به این ویژگی‌ها توجه و مطابق آن برنامه‌ریزی و فعالیت کرد.

واژه‌های کلیدی: هویت اسلامی-ایرانی، خودسازماندهی، خودمانندی، آشوب، پیچیدگی و خودترمیم.

مقدمه

ما در عصری زندگی می‌کنیم که در آن پیشرفت شدیدی در تمام جنبه‌های علم، هنر و ادبیات وجود داشته است. این پیشرفت‌ها با نیازها و مشکلاتی همزمان بوده که عصر مدرن با خود به همراه آورده است. آنچه روشن است، این واقعیت است که با ظهور قرن بیستم و خصیصه‌های ذاتی آن، هم‌اکنون انسان موجودی شده است سر درگم، سرخورده و بیگانه از خود. فیلسوفان، روشنفکران و حتی مردم عادی همه با حالت سردرگمی با این سؤال ساده روبه‌رو می‌شوند: چه کسی هستیم؟ چه چیزی هستیم؟ چرا اینجا هستیم؟ (Rahimipoor and Edoyan 2012: 10).

دغدغه کیستی در ایران نیز، به‌ویژه در ۱۵۰ سال گذشته و در رویارویی با تمدن غرب همواره مطرح بوده است، اما موضوع دیگری که شاید اهمیتش کمتر از فهم کیستی و چیستی نباشد، فهم چگونگی شکل‌گیری، رشد و گسترش یک هویت است. چگونه هویت شکل می‌گیرد، در چالش‌ها چه اتفاقی برای هویت‌ها رخ می‌دهد؟ هویت‌ها توسط نخبگان دارای قدرت کاریزما و خرد و دانش یا توسط انسان‌های بی‌نام و نشان ساخته می‌شود؟ هویت، چگونه خود را در بحران‌ها نجات می‌دهد؟ و هویت اسلامی - ایرانی در برخورد با تمدن غرب چگونه و با چه مکانیزم‌هایی به حیات خود ادامه می‌دهد؟ آیا باید از بحران هویت سخن گفت یا از «طبیعی بودگی تحولات» و «قابلیت خودسازماندهی هویت ایرانی»؟ هویت ایرانی - اسلامی در برخورد با هویت غرب، آیا با بحران مواجه شده یا دچار یک اختلال موقت در بخشی از زیرسیستم‌هاست و آیا این هویت با خصلت خودترمیمی سیستم‌های پیچیده می‌تواند در دهه‌های آینده بر چالش‌های کنونی و پسین فائق آید؟ اینها سؤال‌هایی است که در این تحقیق فراروی ما قرار دارد و جواب آنها در نظریه آشوب؛ یکی از جدیدترین نظریه‌های علمی جستجو می‌شود.

چارچوب نظری بحث: نظریه آشوب

بسیاری از دانشمندان بر این باورند که دانش قرن بیستم تنها با

سه نظریه شناخته خواهد شد: نسبیت، مکانیک کوانتوم و نظریه آشوب (ریچای، ۲۰۰۳) و می‌گویند که بررسی پدیده آشوب، پرحرارت‌ترین کشفیات را در قرن بیست و یکم رقم خواهد زد (هاشمی گلپایگانی، ۱۳۸۸). بنیان نظریه بی‌نظمی (آشوب) توسط ریاضیدان‌هایی چون لورنز و جیمز یورک در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی شکل گرفت. طرفداران نظریه بی‌نظمی بر این باورند که در میان الگوهای «رفتار ظاهراً تصادفی» پدیده‌های مختلف - از سیستم‌های هواشناسی گرفته تا سازمان‌ها و بازارهای بورس - نوعی نظم وجود دارد (نیکوکار و قربانی‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۴).

این تئوری به سیستم‌هایی اشاره دارد که ضمن نشان دادن بی‌نظمی، حاوی نوعی نظم نهفته در درون خود هستند و بیانگر رفتارهای نامنظم، غیرخطی و غیرقابل پیش‌بینی و پیچیده در سیستم‌هاست و قائل به وجود یک الگوی نظم‌غایی در تمام این بی‌نظمی‌هاست.

از دیدگاه دانشمندان سنتی، همچون نیوتن، جهان عقلگرایانه، قطعی و منظم گونه بود، عوامل کوچک پیامدهای کوچک و عوامل بزرگ تأثیرات بزرگی در پی داشت (Morrison, 2008). اما دانش سده بیستم به آرامی به این نتیجه رسید که چنین فلسفه‌ای هرگز نمی‌تواند جهان پیچیده‌ای که ما را احاطه کرده است، توضیح دهد. در حدود نیمه این قرن، پژوهشگران در رشته‌های مختلف شروع به مطالعه پدیده‌هایی کردند که به نظر می‌رسید خلأقیقت و پویایی ذاتی دارند و به صورت خود انگیخته‌ای خود را با محیط در حال تغییر انطباق می‌دهند. در نتیجه مشاهدات مختلفی که روی این گونه سیستم‌ها انجام شد، مفاهیم، روش‌ها و اصول این نظم غریب شناسایی و گسترش یافت، به آرامی شروع به شکل‌گیری رویکردی جدید کردند که به علم خودسازماندهی و انطباق معروف شد (Heylighen, 1999). تئوری آشوب، سیستم‌های غیرخطی و پویا را مطالعه می‌کند و چارچوب مفهومی سودمندی برای پدیده‌های غیرقابل پیش‌بینی و پیچیده پیشنهاد می‌دهد (Cartwright, 1991:44-56). چهار ویژگی مشترک در

فراکتال نامیده می‌شوند و به وسیله فرمول‌های پیچیده ریاضی قابل رسم هستند. خوشبختانه در طبیعت، بسیاری از پدیده‌ها از شکل فراکتالی برخوردارند و به کمک برنامه‌های نرم‌افزاری می‌توان آنها را رسم کرد (ملک عباسی، ۱۳۸۱: ۴۶).

یک فراکتال روش دیدن بی‌نهایت است:

در هر فلکی مردمکی می‌بینم

هر مردمکی را فلکی می‌بینم

احوال اگر یکی، دو می‌بینی تو

بر عکس تو من دو را یکی می‌بینم

(دیوان شمس، رباعی ۱۲۲۶)

جاذبه‌های غریب: جاذبه‌های نقطه‌ای و دوره‌ای پایه‌های فیزیک نیوتنی کلاسیک است که بیانگر نوعی الگوی منظم و با ثبات در حرکت پدیده‌ها و روابط آنهاست، مانند حرکت دادن یک مداد روی کاغذ حول محور خودش با شعاع یکسان که نتیجه آن شکل دایره است که این بیانگر جاذبه نقطه‌ای است. در جاذبه‌های دوره‌ای حرکت دارای نوسان‌ها و تغییر جهت‌های پیش‌بینی شده و قابل کنترل است. در اوائل دهه ۱۹۶۰ ادوارد لورنز در تحقیقات خود جاذبه دیگری را کشف کرد که توسط دیوید روثل و فوریس تاکنس «جاذبه عجیب» نامیده شد. بر خلاف سایر جاذبه‌ها، این جاذبه نه نقطه‌ای و نه دوره‌ای بود. رفتاری که سیستم ارائه می‌داد، هرگز خودش را تکرار نمی‌کرد. این جاذبه عجیب محصول غیرخطی بودن روابط پدیده‌ها و تعامل پذیری آنهاست (مهری، ۱۳۸۱: ۲۴).

خودسازماندهی: سیستم‌های پویا بدون نیاز به عوامل خارجی به خود، سازمان می‌دهند که این سازماندهی بر اثر رفتار تک تک اعضا به وجود می‌آید و تا مرز بی‌نهایت ادامه خواهد یافت. مفهوم خودسازماندهی به توانایی بازسازی و ترمیم ساختار سیستم پس از قرارگیری در شرایط نامتعادل و یا تنش‌های محیطی اشاره دارد. خودسازماندهی از مهم‌ترین ویژگی‌های سیستم‌های زنده و پیچیده است که رابطه مستقیمی با روند تکاملی سیستم و ارتقای آن به سطوح بالاتری از پیچیدگی و در نهایت پایداری دارد. سیستم‌های

سیستم‌های آشوبناک عبارتند از: اثر پروانه‌ای، خودهمانندی، خودسازماندهی و جاذبه‌های غریب (اعتباریان، ۱۳۸۶: ۳۵-۴۰).

اثر پروانه‌ای: به این معناست که تغییر جزئی در شرایط اولیه می‌تواند به نتایج وسیع و پیش‌بینی نشده در ستاده‌های سیستم منجر گردد و این سنگ بنای تئوری آشوب است. در نظریه آشوب یا بی‌نظمی، اعتقاد بر آن است که در تمامی پدیده‌ها، نقاطی وجود دارند که تغییری اندک در آنها باعث تغییرات عظیم خواهد شد و در این رابطه سیستم‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و سازمانی، همچون سیستم‌های جوی از اثر پروانه‌ای برخوردارند و تحلیلگران باید با آگاهی از این نکته مهم به تحلیل و تنظیم مسائل مربوطه بپردازند (الوانی، ۱۳۷۸: ۴۰).

خودهمانندی: سیستم‌های آشوبی دارای خاصیت خودهمانندی یا خودمانایی هستند (نظریه هندسه فراکتال). در معادلات آشوبی الگوهای ترسیمی نشان‌دهنده نوعی شباهت بین اجزا و کل هستند؛ بدین ترتیب که هر جزئی از الگو همانند کل است (الوانی و دانایی فرد، ۱۳۷۸: ۱۷). نخستین بار در ۱۹۷۵ ریاضیدانی به نام مندلبروت هندسه فراکتال را مطرح کرد. او می‌گوید: بسیاری از اشکال نامتقارن در طبیعت، ویژگی‌های یک فراکتال را دارند. به خاطر این ویژگی‌هاست که می‌توان، شکل آنها را به زبان جدید ریاضی بیان کرد.

به گفته وی "اگر F یک مجموعه فراکتالی باشد، F نموداری است با این مشخصات: الف) بی‌قاعده‌تر از آن است که بتوان آن را با زبان هندسه اقلیدسی توصیف کرد؛ ب) دارای ساختاری خود متشابه است؛ بدین معنی که F شامل کپی‌های از خودش در مقیاس‌های متفاوت است. به عبارت دیگر، هر زیر قسمت از F که بزرگ شود، مجدداً بیانگر تمام F است؛ ج) ساختمان ظریفی دارد و تمام جزئیات F را روی زیر قسمت‌های F ، مقیاس کوچکتر می‌توان یافت. به شاخه بلند یک گیاه «سرخس» توجه کنید. هریک از برگ‌های آن مشابه کل شاخه آن است. همین‌طور هریک از برگ‌های کوچک آن نیز همانند خود گیاه است. در هندسه فراکتال، این‌گونه اشکال

انقلاب بزرگی در علوم امروز به وجود آمده که با بینش‌های قدرتمند نوینی نسبت به طبیعت و پیچیدگی موجود در آن شکل گرفته است. اصطلاحی تازه به نام خودسازماندهی از سوی دانشمندان وارد منظومه دانش‌های بشری شده است که با استفاده از آن تلاش می‌شود جهان به گونه بهتری شناخته شود. خودسازماندهی نوعی نظم خودجوش است که قادر به حل مسائل و مشکلات انطباق با محیط اطراف است. این یک مکانیسم طبیعی قدرتمند و بسیار مهم است که امکان دارد سرنخ‌های مهمی برای استفاده بشر امروز به همراه داشته باشد (Mehaffy and Salingaros, 2011).

در دنیای اطرافمان نمونه‌های زیادی از این گونه سیستم‌ها را مشاهده می‌کنیم؛ مثلاً روستاهای سنتی که هیچ مهندس شهرسازی از ابتدا نقشه آن را طراحی نکرده است، اما به جای آن، با اتکا به قوانین نسبتاً ساده برای تولید فرم و انطباق، اشکال کارآمدی از روستاها شکل گرفته است. در مثال‌هایی دیگر می‌توان به تپه‌های موربانه‌ها که سیستم‌های خودتنظیم‌کننده خنک‌سازی دارند یا شنای دسته جمعی ماهیان و پرواز برخی پرندگان هم اشاره کرد که با چنین سیستمی تحلیل می‌شوند (Mehaffy and Salingaros, 2011).

خودترمیمی: عملکرد خودترمیمی شباهت زیادی به خودسازماندهی دارد. خودترمیمی به معنای بهبود یک سیستم پس از دچار شدن به یک آسیب، زخم یا شکست است؛ بدون آنکه از عوامل بیرونی کمکی دریافت کرده باشد و این کار تنها با مکانیزم‌های درونی خود سیستم امکان‌پذیر است. از این دیدگاه، سیستم می‌تواند خطا یا آسیب‌دیدگی را شناسایی و سپس بر روی آن کار کند. سیستم‌های خودترمیم یا خود درمان می‌توانند اختلال در عملکرد سیستم را شناسایی و سیاست‌های مبتنی بر اقدامات اصلاحی را آغاز و آنها را بدون اختلال در محیط اجرا کند. اقدام اصلاحی ممکن است شامل تغییر در یک حالت خاص و یا تغییرات مؤثر در سایر قطعات سیستم باشد. بخش باقی‌مانده باید سعی کند راه را برای ادامه کار بدون بخش معیوب پیدا کند (Saha, 2007:5). اصطلاح

خودسازمانده، به تبادل انرژی، ماده و اطلاعات با محیط اطراف خود نیاز دارند؛ به‌گونه‌ای که ویتلی در سال ۱۹۹۴ و کاپرا در سال ۱۹۹۶ فرایند خودسازماندهی را با استفاده از انرژی خود سیستم در جهت نوسازی و خلق سازمان جدید مرتبط می‌دانند (مختاری، سلطانی‌فرد و یوری، ۱۳۸۸: ۹۳-۱۰۶).

اصطلاح سیستم خودسازمانده به برخی سیستم‌ها اشاره می‌کند که قادرند ساختار درونی و عملکرد خود را در پاسخ به شرایط خارجی تغییر دهند. با خودسازماندهی فهمیده می‌شود که عناصر یک سیستم به برخی دیگر از عناصر آن سازمان می‌دهند تا به ثبات برسد (Banzhaf & Wolfgang, 2000). سیستم‌های خود سازمانده هم در طبیعت غیرزنده (کهکشان‌ها، ستاره‌ها) یافت می‌شوند و هم در طبیعت زنده (سلول‌ها، موجودات زنده، اکوسیستم). آنها در جهان ایده‌ها شناخته شده‌اند (جهان‌بینی، باورهای علمی، سیستم‌های هنجار) (Banzhaf & Wolfgang, 2000). نظم ترافیک و کهکشان‌ها همواره از نمونه‌هایی است که دانشمندان برای توضیح یک سیستم خودسازمانده از آنها یاد می‌کنند.

شیوه زندگی مورچه‌ها، زنبورها یا موربانه^۰ حشرات اجتماعی^۰ ظرفیت چشمگیر راه حل‌های جمعی را برای مسائل نشان می‌دهد. رفتارهای گروهی مانند خودسازماندهی، استحکام و انعطاف‌پذیری از ویژگی‌های این اجتماعات است. برای مثال، در دهه گذشته، تلاش‌های گوناگونی صورت گرفته است تا از ویژگی خودسازماندهی این حشرات اجتماعی برای الگوریتم‌های توسعه یافته الهام گرفته شود. از این رهیافت با عنوان "هوش جمعی" یاد می‌کنند (Bonabeau, Dorigo and Theraulaz, 1999). این رفتارها در شکل‌گیری اندیشه خودسازماندهی مؤثر بوده است؛ زیرا "رفتارهای این‌گونه حشرات، از جمله تقسیم کار و تخصص‌ها، مسأله مورچه‌های مرده، سیستم مراقبت نوزادان، حمل و نقل و رفت و آمد، ساختار لانه و مراقبت از ملکه و خوشه‌سازی‌ها، مجموعه‌ای یکپارچه از مدل‌های ساده خود سازمان‌یابی و رفتار حشرات اجتماعی است (Bonabeau, Dorigo and Theraulaz, 1999).

محلی آنها به پیدایش رفتاری عمومی می‌انجامد. مثال‌هایی از چنین سیستم‌های را می‌توان در طبیعت مشاهده کرد: گروه‌های مورچه‌ها، دسته پرندگان، گله‌های حیوانات، تجمعات باکتری‌ها و دسته‌های ماهی‌ها. ریشه‌های هوش جمعی عمیقاً در مطالعه بیولوژیک رفتار خود سازمان یافته در حشرات اجتماعی مشاهده شده است (ویکی‌پدیای فارسی).

این سیستم نه تنها در میان حشرات اجتماعی یافت شده است، بلکه برخی از فناوری‌های نوین بشری نیز از این گونه نظام‌ها استفاده می‌کنند. در طول دهه گذشته، ظهور اینترنت موجب ظهور شکل‌های شگفت‌آور تازه‌ای از هوش جمعی شده است. برای نمونه، می‌توان به گوگل، ویکی‌پدیا، سریدلس^۱، و بسیاری دیگر از این پدیده‌های جدید اشاره کرد. موفقیت‌های استفاده از امکانات جدید، لزوم شناخت این گونه سیستم‌ها و درک عمیق‌تر اینکه چگونه این سیستم‌ها کار می‌کنند را نشان می‌دهد (Malone, Laubacher and Dellarocas, 2009).

در دنیای واقعی، مورچه‌ها ابتدا به طور تصادفی به این سو و آن سو می‌روند تا غذا بیابند. سپس به لانه بر می‌گردند و ردی از فرومون^۲ به جا می‌گذارند. چنین ردهایی پس از باران به رنگ سفید در می‌آیند و قابل رؤیت‌اند. مورچه‌های دیگر وقتی این مسیر را می‌یابند، گاه پرسه زدن را رها کرده، آن را دنبال می‌کنند. سپس اگر به غذا برسند، به خانه بر می‌گردند و رد دیگری از خود در کنار رد قبل می‌گذارند و مورچه‌های بعدی نیز به علت حساسیت به این ماده آن مسیر را تکرار می‌کنند و باعث بزرگتر شدن مسیر و تشویق دیگر اعضای گروه به تکرار آن می‌شوند (ویکی‌پدیای فارسی).

نظریه آشوب و هویت اسلامی، ایرانی

در جهان امروز برخورداری از هویت‌های چندگانه ملی، محلی، دینی، شغلی و جنسیتی جزئی از اقتضانات زندگی اجتماعی است (محمد علیپور، ۱۳۸۹: ۱۹۷-۲۰۴). بر خلاف

"خودترمیمی" در نظام‌های طبیعی (بیولوژیک) به وجود آمد. با گذشت میلیاردها سال از عمر طبیعت مکانیسم‌های فوق‌العاده‌ای برای خود درمانی شکل گرفته است. "برنامه بیولوژیک" اساساً در DNA کدگذاری می‌شود. ویژگی‌های بیولوژیک مختلف به ایجاد تکنیک‌های حل مسأله منجر شده است (Debanjan, Sharman, Rao, 2006: 2).

هر چند آغاز تحقیق درباره این‌گونه سیستم‌ها از سیستم‌های بیولوژیک آغاز شد، اما جاذبه این نظریه محققان سایر رشته‌های علمی، از جمله رایانه و فناوری اطلاعات را نیز به سوی پژوهش در زمینه سیستم‌های خودترمیمی کشانده است. برای نمونه، در فناوری اطلاعات، خودترمیمی برای توصیف هر دستگاه یا سیستمی است که قادر به درک صدمات وارده بر مجموعه است و بدون دخالت انسان، تنظیمات لازم را برای بازگرداندن خود به حالت عادی اعمال نماید. برای مثال، شرکت IBM در حال کار بر روی یک محصول است که خود را پیکره‌بندی، بهینه‌سازی، خود نگهداری - و همچنین خود را ترمیم کند. IBM برای عملی کردن همه این ویژگی‌ها در محصول خود، از اصطلاح "خود مدیریتی" استفاده کرده است (Hedi Karray, Ghedira and Maamar, 2011).

هوش جمعی: سیستم‌های خودسازمانده بیش از همه در میان موجوداتی مشاهده می‌شود که به حشرات اجتماعی معروف و دارای هوش جمعی یا ازدحامی هستند. هوش جمعی به عنوان توانایی یک گروه برای حل مشکلات بیش از افراد آن تعریف شده است. استدلال شده است که موانع ایجاد شده توسط محدودیت‌های شناختی فردی و مشکل هماهنگی را می‌توان با استفاده از یک نقشه ذهنی جمعی برطرف کرد (Heylighen, 1999).

این سامانه‌ها معمولاً از جمعیتی از کنشگران ساده تشکیل شده است که به طور محلی با یکدیگر و با محیط خود در تعامل هستند. با اینکه معمولاً هیچ کنترل تمرکز یافته‌ای، چگونگی رفتار کنشگران را به آنها تحمیل نمی‌کند، تعاملات

¹ Threadless

² Pheromone

مختلف شباهت محسوسی به کل ساختار ایرانی دارد و تغییر کوچکی در هر یکی از عناصر هویتی می‌تواند کل ساختار را دچار دگرگونی کند. برای نمونه، تأسیس دارالفنون (به عنوان اثر پروانه‌ای) در دوره امیرکبیر، ساختارهای هویتی ایران را به گونه‌ای تغییر داد که پیامدهای آن تاکنون نیز ادامه دارد؛ یا اقدام کشف حجاب در دوره رضاشاه می‌تواند یکی از سرچشمه‌های انقلاب اسلامی و تغییرات هویتی پس از آن قلمداد شود.

با استفاده از این تئوری می‌توان این گونه برداشت کرد که هویت - اسلامی ایرانی، سیستمی پیچیده است که با وجود بی‌نظمی، حاوی نوعی نظم نهفته در درون خود است و بیانگر رفتارهای نامنظم، غیرخطی و غیرقابل پیش‌بینی و پیچیده در زمینه هویت‌سازی است و یک الگوی نظم غایی در تمام این بی‌نظمی‌ها وجود دارد. "هویت ملی ایران شالوده مرکزی و واحدی ندارد؛ بلکه همچون موزائیکی است که عوامل مختلف از تاریخ و فرهنگ ایرانی، مذهب اسلام و تشیع، فرهنگ و تمدن مدرن و فرآیندهای جهانی شدن در شکل‌گیری آن مؤثر بوده‌اند" (بشیریه، ۱۳۸۱: ۱۱).

سیستم‌های پیچیده، اولاً دارای عناصر بسیار زیادی هستند که کنترل همه آنها غیرممکن است و از سوی دیگر، این عوامل بسیار زیاد تعاملات بسیار بیشتری با هم دارند که به بغرنج و پیچیده بودن آن کمک بیشتری کرده‌اند و از همین روست که مدیریت و کنترل این گونه پدیده‌ها دشوار است و به راحتی نمی‌توان آینده این گونه سیستم‌ها را با مدل‌های خطی پیش‌بینی کرد.

پس از مشروطیت، تحول‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در جامعه؛ جنبش‌های آزادی‌خواهی و روشنفکری؛ تشویق مردم، به‌ویژه زنان به تحصیل و کارهای اجتماعی و اقتصادی بیرون از خانه و افزایش یافتن تعداد مدرسه‌های دخترانه؛ ورود بسیار زیاد اجناس، پارچه و لباس‌های گوناگون خارجی به ایران؛ آمدن خیاطان و طراحان مد اروپایی به تهران و دهها عامل دیگر، گرایش به تجدد و فرهنگ غربی،

نظریه‌های خطی تحلیل توسعه چون رویکردهای نوسازی نمی‌توان این تغییرات را ناشی از واکنش منفعلانه هویت‌های شرق یا جوامع اسلامی مقابل بحران هویتی ناشی از تحولات دنیای مدرن و غرب فرض نمود، بلکه باید از منظری درونی ناشی از پیچیدگی درونی نظام‌های هویتی دانست. باید پذیرفت که نظام‌های هویتی با مکانیزمی اسفنجی تحولات محیطی را به درون خود هدایت می‌کنند، اما به آرامی و بدون استحاله عناصر و دقایق اصلی هویت خود، عناصر و دقایق هویتی «دیگری» را طرد می‌کنند.

هویت اسلامی ایرانی، از جمله نظام‌های گفتمانی هویتی است که به عنوان هویتی پیچیده با وجود همه این بی‌نظمی‌ها نوعی نظم نهفته را درون خود دارد. هویت به دلیل اینکه سیستمی باز و برخوردار از هوش جمعی است، خلاقیت و پویایی ذاتی دارد و به صورت خود انگیخته‌ای خود را با محیط در حال تغییر انطباق می‌دهد. نمونه‌های این انطباق در هویت اسلامی ایرانی را می‌توان در نظام جمهوری اسلامی یافت. نظام جمهوری اسلامی به عنوان سیستمی سیاسی که از دو پایه مردم سالاری و ولایت فقیه تشکیل شده، به عنوان بخشی از این هویت، خود را با شرایط دنیای جدید وفق داد.

در برداشتی کلی و انتزاعی می‌توان چنین استنباط کرد که در ایران سه لایه تمدنی روی هم قرار گرفته‌اند که عبارتند از: لایه تمدن ایرانی قبل از اسلام، لایه تمدن اسلامی و لایه تمدن غربی. یکی از لایه‌های تمدنی نامبرده در هویت بخشیدن به ایرانیان اثر خاص خود را داشته و در مقاطعی از تاریخ ایران تعارض میان این لایه‌های تمدنی، بحران هویت و نوعی سرگشتگی و در نهایت، عدم انسجام و اجتماع نظر در تصمیم‌گیری‌های مملکتی را در سطحی کلان به وجود آورده است (پرتوی، ۱۳۷۴: ۶۳-۸۸) این لایه‌ها که هر یک عناصر هویتی جداگانه، منحصر به فرد و گاه متعارضی دارند، در طی صدها سال ساختار پیچیده‌ای را به وجود آورده است. این سیستم پیچیده در طی دهه‌ها و سده‌ها به صورت خودسازمان یافته‌ای شکل گرفته است، عناصر گوناگون هویتی اقوام

در تمام این بی‌نظمی‌ها را به وجود خواهد آورد.

فراکتال و خودهمانندی و شناخت بهتر هویت ایرانی - اسلامی

خودهمانندی یکی از ویژگی‌های سیستم‌های پیچیده و آشوبی از جمله جامعه است. اگر واقعاً جامعه دارای چنین خصلتی باشد؛ در این صورت ما باید تکرارهای کپی ماندنی را در سراسر جامعه مشاهده نماییم؛ برای مثال، در زمینه هویت، اگر ما یک رفتار هویتی را در جامعه سراغ داشته باشیم، این رفتار هویتی باید در بخش‌های مختلف جامعه مشاهده شود که به نظر می‌رسد چنین خودهمانندی‌هایی در ساختار هویتی جامعه ایران وجود دارد که ما در این تحقیق برای جلوگیری از طولانی شدن مطلب، تنها به ذکر پاره‌ای از آنها می‌پردازیم.

به نظر می‌رسد یکی از خصلت‌های هویت ایرانی، تعامل و ترکیب آن با هویت‌های دیگر است. این فضای تعامل مثبت میان عناصر هویتی و مناسبات دیالکتیکی میان آنها، در مناسبات بین فردی و بین فرهنگی (بین دارندگان هویت‌های مختلف) و هم در سطح فردی (در شاکله هویتی هر فرد ایرانی) وجود دارد (صدیق سروسنانی و حاجانی، ۱۳۸۷: ۵۱).

چنین خودهمانندی در آیین‌های همچون جشن نوروز و عزاداری ماه محرم در میان اقوام گوناگون ایرانی مشاهده می‌شود که در آن اقوام مختلف با بعد کمی، کپی کل سیستم هستند. ممکن است این آیین‌ها در میان این اقوام به صورت کامل یکسان نباشد، اما در میان همه آنها وجود دارد و از این جهت همانندی‌های بسیاری وجود دارد. هرچند بخشی از این اقوام اهل سنت و برخی اهل مذهب تشیع هستند و مراسمی همچون عزاداری حسینی به شدت آیینی است که بر باورهای شیعیان استوار است، اما پیروان مذهب اهل تسنن نیز به علت قرارگرفتن در این سیستم هویتی به آن باورمند شده‌اند؛ حتی مشاهده می‌شود که بسیاری از بلوچ‌های سنی ایران از زائران امام رضا (ع) به حساب می‌آیند.

گروه‌های قومی ایران در جریان تطبیق با محیط زیست

دگرگونی و تنوع در کیفیت و سبک پوشاک در شهر را به دنبال داشت (الهی، ۱۳۸۹: ۳-۳۰)، اما اینها تنها بخشی از عوامل و عناصری است که در تغییر سبک پوشش در ایران معاصر مؤثر بود و می‌توان تصور کرد که به چه عوامل بیشتر دیگری، همچون گرمی هوا در بسیاری از مناطق کشور، تلاش‌های دولت در دوره پهلوی، رسانه‌ها، خانواده‌ها، تمایلات شخصی، دست و پاگیر بودن لباس‌های سنتی و مواردی از این دست هم اشاره کرد. علاوه بر این، می‌توان بر عناصر انسانی همه این عوامل اشاره کرد که چگونه با همدیگر در تعاملات بیشماری بودند و در نهایت به صورت بسیار پیچیده‌ای توانستند پوشش ایرانی را تغییر دهند. عناصر و عواملی که با هم در کنش و واکنش بودند و سیستم پیچیده را به وجود آورد که هیچ کنترل مرکزی در آن وجود نداشت و در نهایت، سبک پوشش در ایران را تغییر داد؛ فرآیندی که به نظر می‌رسد همچنان تداوم داشته باشد، زیرا سیستم‌های پیچیده، ذاتاً پویا هستند.

از منظر نظریه آشوب می‌توان این گونه برداشت کرد که هویت ایرانی اسلامی در دهه‌های آینده، همچون بسیاری دیگر از پدیده‌های آشوبی، فوق‌العاده پیچیده و غیرخطی خواهد بود و تحت تأثیر نیروهای بی‌حد و حصری قرار خواهد داشت که برآمده‌های آن تقریباً به صورت تصادفی به نظر می‌رسند (از جمله این نیروهای متکثر، میلیون‌ها انسان با مهارت‌های تحلیلی بالا، تنوع بسیار زیاد قومی، زبانی، محلی، فرهنگی، طبقاتی، ویژگی‌های اقتصادی، سیاسی اجتماعی، ارتباطات، رسانه‌ها و... است). نظریه آشوب به ما نشان می‌دهد که تعداد بیشمار و بی‌اندازه‌ای از عوامل و نیروها وجود دارند که در شکل‌گیری آینده هویتی جامعه ایران سهم خواهند بود. این عوامل در همه جا منتشر شده است و چنان پیچیده و آشوب گونه است که کوچکترین عامل می‌تواند تأثیری عظیم داشته باشد. هویت آینده ما به طور مداوم در معرض هجوم عوامل پیش‌بینی نشده و غیرقابل انتظاری قرار خواهد داشت، اما هوش جمعی ایرانیان در دهه‌های آینده، یک الگوی نظم‌گایی

طبیعی و بهره‌برداری از آنان به الگوهای همیاری مشخص و مشترکی دست یافته‌اند و در پرستش خدا و احترام به مقدسات از الگوها و آیین‌های مشترکی پیروی می‌کنند. کردها، آذری‌ها، لرها، بلوچ‌ها، ترکمن‌ها، عرب‌ها و قزاق‌ها، گروه‌های قومی هستند که به هیچ وجه در شاخص‌های درجه اول با یکدیگر تشابهی ندارند؛ نه تبار مشترک و الگوهای همیاری یکسانی دارند و نه از الگوهای مذهبی مشابهی پیروی می‌کنند. با این حال، برخی از تشابهات این گروه‌ها در شاخص‌هایی است که درجه دوم شناخته شده‌اند و عبارتند از: زبان و تبار تاریخی. در این میان، برخی از آیین‌های مذهبی مثل آیین ماه محرم که به احترام حماسه‌ها و اسطوره‌های مذهبی و اخلاقی مربوط می‌گردد و از شاخص‌های درجه اول محسوب می‌شود، در میان این گروه‌های قومی مشترک است. برآیند اشتراک در الگوهای زبان و تبار تاریخی، که کارکرد ارتباطی و هویتی دارند و آیین‌های مربوط به ماه محرم که موجب پیدایش درونی‌ترین ویژگی‌های اخلاقی و مذهبی می‌شوند؛ پدید آمدن انسان ایرانی است که علی‌رغم خاستگاه‌های قومی متفاوت، براساس ویژگی‌های اخلاقی، مذهبی و تاریخی مشترک، هویت ملی مشترکی دارد. این اشتراکات در طول تاریخ توانسته‌اند گروه‌های قومی ایران را در چارچوب یک ملت و یک کشور نگاه دارند (حسین‌زاده، ۱۳۸۰: ۴۳-۶۸).

در واقع، آیین‌های مشترک و الگوهای فرهنگی نمادین، بسیاری از اقوام ایران را بر سر یک سفره می‌نشانند. یکی از مهمترین این آیین‌ها، مراسم عزاداری حسینی است. اعمالی که از باور و ایمان به ارزش‌های محرم سرچشمه می‌گیرند و در زندگی روزمره نیز جاری هستند، مانند: نذرکردن، سوگواری و پرهیز از شادی و اعتقاد به شفابخشی آیین، از جمله مشترکات الگویی مربوط به این مراسم در میان گروه‌های قومی ایران است (همان)؛ حتی به فراوانی مشاهده شده است که نذر کردن در روز عاشورا در میان غیرمسلمانان ایران نیز رواج دارد که از آن جمله می‌توان به نذرکردن ارمنیان مقیم تهران در این روز اشاره کرد.

این خودهممانندی تنها به آیین‌هایی مانند عزاداری امام حسین (ع) یا نوروز تمام نمی‌شود، بلکه در بسیاری دیگر از عناصر هویتی مشاهده می‌شود؛ مثلاً برخی جامعه‌شناسان ایرانی که به آسیب‌شناسی فرهنگ سیاسی ایران پرداخته‌اند دست روی چنین خودهممانندی‌هایی گذاشته‌اند که از آن جمله می‌توان به بحث‌های محمود سریع‌القلم پیرامون فرهنگ سیاسی ایران پرداخت. محمود سریع‌القلم در یکی از نوشته‌هایش نشان می‌دهد که رفتار رهبران سیاسی شهری ایران به رفتار رهبران سیاسی عشایری ما شباهت دارد و از همین رو، از فرهنگ سیاسی عشیره‌ای ایرانی به عنوان فرهنگ سیاسی کلیت ایرانیان یاد می‌کند؛ مثلاً او می‌نویسد: فرهنگ سیاسی ایران در طول تاریخ معرف آن است که دایره اعتماد میان افراد و به تبع آن نهادها و سازمان‌ها و مؤسسات، بسیار اندک و محدود است. یکی از این کم‌اعتمادی، واگذاری نقش‌های اجتماعی و سیاسی بر مبنای تعلقات خویشاوندی و قومی است" (سریع‌القلم، ۱۳۷۷: ۳۴-۴۳). او این خصلت‌ها را به همه نخبگان سیاسی اطلاق می‌کند و معتقد است که ساختار استبدادی حکومت‌های ایرانی (به عنوان یکی از عناصر هویتی) را می‌توان در شخصیت استبدادی فرد فرد ایرانی جستجو کرده‌اند (سریع‌القلم، محمود، ۱۳۸۲ و ۱۳۸۵) که نشان‌دهنده شباهت هویت جزء به هویت کل است.

مثال‌های بسیار زیاد دیگری از خودهممانندی را می‌توان نشان داد. اینجا به نمونه دیگری هم می‌توان اشاره کرد. در دوره قاجاریه انشعاب جامعه و تقسیم‌بندی آن به دو گروه سفید و سیاه همه جا مشاهده می‌شد. "ستیز در کلیه سطوح سازمان‌های قبیله‌ای، از خانوارهای واحد چادرنشین گرفته تا خاندان‌های حاکم، وجود داشت. رقابت‌های عشیره‌ای در ایل بختیاری بین هفت لنگ و چهارلنگ بود. رقابت در شهرهای بزرگ بین حیدری‌ها و نعمتی‌ها وجود داشت. در شهرهایی که از رقابت حیدری و نعمتی خبری نبود، همواره اشکال دیگری از این اختلافات گروهی وجود داشت؛ مثلاً تبریز و کرمان به دو دسته متشرع و شیخی تقسیم می‌شد. این دو گروه

اخلاق، سیاست، دین و مسائلی از این دست، تعدادی نامتناهی از مقیاس‌های طولی را به نمایش می‌گذارد. جریانی بی‌انتهای اندیشه‌ها، دیدگاه‌ها، رفتارها و عملکردها، فرایندها و آرزوها که به صورت دسته‌بندی شده قرار می‌گیرد و به‌ندرت دارای یک تعادل کامل است.

در خودهمانندی، شکل جزء شباهت محسوسی به شکل کل دارد. این جزء، در همه جهات به نسبت ثابتی رشد می‌کند و کل را به وجود می‌آورد. در ایران، رفتارها، باورها و عملکردهای افراد شباهت محسوسی به کل هویتی آنان دارد. البته این امکان هم هست که این شباهت در همه جهات به نسبت ثابتی رشد نکند؛ مثلاً ممکن است رفتارهای هویتی در گروهی خاص بیشتر از گروه دیگری مشاهده شود، اما مجموعه آن، چنین همجنسی را تزریق و تلقین می‌کند.

و با همین استدلال می‌توان گفت که رفتارهای هویتی در دانشگاه شبیه رفتارهای هویتی در خانه‌ها و بازارهای ماست، رفتارهای هویتی بازاریان شبیه دانشگاهیان، دانشگاه شبیه سیستم قضایی، دینداری شبیه بی‌دینی است (برای نمونه، افراط و تفریط در هردو گروه)، فرد شبیه جامعه و جامعه شبیه فرد، و این شباهت‌ها به صورت نامتناهی ادامه دارد و در نهایت کلیت یک هویت را می‌سازد. خودهمانندی را می‌توان و باید در عناصر گوناگون هویتی مشاهده کرد، اما این خودهمانندی در همه بخش‌ها و عناصر یکسان نیست. یک خصلت هویتی را باید در اجزای گوناگون جامعه مشاهده کرد؛ هرچند ممکن است شدت آن در همه بخش‌ها یکسان نباشد که این مسأله از خصوصیات سیستم‌های پیچیده است.

از این روست که می‌توان گفت سیستم پیچیده هویت ایرانی در دهه‌های آینده نیز بیش از پیش به سمت خودهمانندی پیش خواهد رفت. عناصر گوناگون هویتی در طی دهه‌ها به همانندی‌هایی دست خواهند یافت که جلوی افتراق اجزا و فروپاشی کل سیستم را خواهد گرفت. این عملکرد با فرایندهای ویژه سیستم‌های پیچیده (از جمله خودترمیمی و خودسازماندهی) صورت می‌گیرد. در این مدت

با هم وصلت نمی‌کردند و از خانه، قهوه‌خانه، حمام، بازار و دکان، تکیه، زورخانه و حتی مسجد یکدیگر حذر می‌کردند. مهاباد و میان دو آب هردو محلات سنی‌نشین و شیعه‌نشین جداگانه داشتند و در تهران، هویت گروهی نه فقط در محلات، بلکه در مراسم عزاداری ماه محرم و در برنامه‌های تکیه‌ها نیز حفظ می‌شد" (آبراهامیان، ۱۳۸۷). در اینجا ستیزهای گروهی در همه شهرها و واحدهای اجتماعی وجود داشت و هر بخش کپی کاملی از کل سیستم قاجاری بود.

با توجه به مفهوم فراکتال و جایگاه آن در نظریه آشوب می‌توان گفت هویت شامل سلسله‌ای از اجزای خودهمانندی است که از مقیاس‌های بزرگ تا کوچک را شامل می‌شود. ترکیب‌بندی ساختارهای کشور تسلسلی از فرم‌های رفتاری را ایجاد می‌کند که از دیدهای مختلف از ظاهر کشور گرفته تا کوچکترین اجزای شهر را شامل می‌شود. هنگامی که یک شخص به ایران نزدیک و سپس به آن وارد می‌شود، به صورت پی در پی مقیاس کوچکتر دیگری همراه با جزئیات و نشانه‌های یک هویت را مشاهده می‌کند. نشانه‌هایی که در بازار، دانشگاه، مترو، خیابان‌ها، خانه‌ها، اداره‌ها، روستاها و شهرها همواره یافت می‌شود.

فراکتال‌ها دو نکته را برای ما یادآوری می‌کنند: اول اینکه هویت یک ملت (کل) و اعضای آن (جزء) به هم شباهت دارند. هویت یک گروه مذهبی همانند هویت تک تک اعضای آن است و دوم اینکه این نظام‌ها و بازیگران در سطح خرد همچون سطح کلان بسیار پیچیده رفتار می‌کنند.

هویت ایران از مذهب و سیاست گرفته تا گروه‌های سیاسی و اقتصادی، همچون جریانی از اجزای خودهمانند نمایش داده می‌شوند. از این رو، فعالیت‌های روزانه ما شبیه کل ساختار هویتی ماست. اگر ساختار هویتی ایرانی دچار آسیب و بحرانی شود، این آسیب در مقیاس‌های خرد و کلان نیز مشاهده می‌شود و عکس این حالت نیز درست است. هویت تک تک بازیگران سطح خرد، موجب تغییر هویت کلان می‌شود. نگاه ایرانیان به مقولاتی، همچون: آزادی،

اجماع درباره برخی از عناصر هویتی صورت خواهد گرفت که سیستم را قادر خواهد ساخت با ترمیم برخی از این عناصر آسیب دیده همچنان خودهماندی خویش را حفظ نماید.

خودسازماندهی هویت ایرانی - اسلامی

آیا هویت - ایرانی اسلامی به صورت هرمی شکل می‌گیرد؟ به عبارت دیگر، آیا در واقعیت شرایط کنونی جامعه، شخص خاصی در راس همه امور قرار دارد که می‌تواند هویت ما را شکل دهد یا این تغییر و تحولات هویتی به گونه‌ای دیگر رخ می‌دهد؟ آیا نمی‌توان گفت هویت نه به صورت هرمی، بلکه به صورت شبکه‌ای شکل می‌گیرد و عناصر و عوامل تشکیل‌دهنده آن به صورت شبکه‌ای گسترده با هم مرتبط هستند؟ برای پی بردن به پاسخ این پرسش‌ها می‌توان به عوامل هویت ساز گوناگون در سطح جامعه اشاره کرد که هیچ مدیریت مرکزی بر آنها وجود ندارد. دانشگاه که یک دانشگاه واحد نیست و در سراسر ایران دانشگاه‌های بسیار زیادی وجود دارد که به شکلی در هویت‌سازی مشغولند. عناصر و بازیگران این دانشگاه‌ها هم بی‌نهایت متعدد هستند. استادان مختلف با دیدگاه‌های مختلف، واحدهای درسی بسیار متعدد، دانشجویان از اقوام و مذاهب گوناگون و با دیدگاه‌های رنگارنگ، متون دانشگاهی، رشته‌های دانشگاهی متعدد، نظریه‌های مختلف و هزاران عنصر و عامل که همه آنها به صورت شبکه‌ای از عناصر هستند و بر روی هم کنش و واکنش دارند. تازه این تنها مثنی نمونه خروار است و برای توضیح بیشتر می‌توان به نقش حوزه‌های علمیه و عناصر بسیار مؤثر در هویت‌سازی آن، رسانه‌های نوین و سنتی، شبکه‌های اجتماعی، شهروندان، خانواده‌ها و سلسله‌ای از عناصر دیگر اشاره کرد که همه با هم مرتبط هستند و هیچ یک نمی‌تواند شکل نهایی هویت ایرانی - اسلامی را تعیین نماید، بلکه این هویت در اجماعی نهایی میان همه این عناصر ساخته می‌شود؛ حتی دولت‌ها با همه توانی که دارند چنین امکاناتی را به تنهایی در اختیار ندارند.

از این رو، می‌توان گفت جامعه ایرانی بدون نیاز به عوامل خارجی، به خود سازمان می‌دهد که این سازماندهی بر اثر رفتار تک تک اعضا به وجود می‌آید و تا مرز بی‌نهایت ادامه خواهد یافت. این مفهوم به ما می‌گوید که هویت توانایی بازسازی و ترمیم ساختار خود را پس از قرارگیری در شرایط نامتعادل و یا چالش‌های محیطی دارد. خودسازماندهی هویت از مهم‌ترین ویژگی‌های آن است که رابطه مستقیمی با روند تکاملی آن و ارتقای آن به سطوح بالاتری از پیچیدگی و در نهایت پایداری دارد. از همین روست که نیاز به تبادل اطلاعات با محیط اطراف خود دارند، به گونه‌ای که از این اطلاعات در جهت نوسازی و خلق رفتارها و شاخص‌های هویتی جدید بهره‌مند می‌شود.

یکی از ویژگی‌های این گونه سیستم‌ها انعطاف‌پذیری آنهاست. این گونه سیستم‌ها با محیط خود و عناصر آن تطبیق می‌یابند. هویت ایران نیز چنین خصلتی دارد و به نظر می‌آید که چهار عامل زیر هرکدام به نوعی در تعامل با این هویت در حال سازماندهی آن هستند. هویت ایرانی به صورت خودسازماندهی با این عوامل محیطی خود را وفق می‌دهد:

(الف) برخی مقولات و ارزش‌های عام، مانند دعاوی برخی از ادیان در گذشته و حال، اعم از ادیان سنتی یا فرقه‌ها و تفاسیر دینی ایمانی جدید و یا مفاهیمی چون حقوق بشر؛ (ب) انقلاب‌های تکنولوژیک، اطلاعاتی و ارتباطاتی که حوزه‌های متعدد و گسترده‌ای از انتقال پیام، فرهنگ، اندیشه و مالاً هویت را فرا راه انسان گشوده است؛

(ج) فعال شدن برخی جنبش‌های حاشیه‌ای در دهه‌های اخیر، چون جنسیت (فمینیسم)، قومیت، زیست بوم‌گرایی و...؛

(د) تلاش برای کسب یا حفظ جایگاهی که در تحولات روزافزون و پیچیده جهانی، به‌ویژه در سطح اقتصادی، مناسب باشد و به طور منطقی انگیزه نیرومندی برای ایجاد پیمان‌ها و اتحادیه‌های منطقه‌ای، از جمله اتحادیه اروپا، به شمار آید. تمام این عوامل و تأثیرگذاری‌ها یک پیام آشکار دارند: انعطاف در هویت ملی و قرار دادن هویت ملی در کنار دیگر هویت‌ها، به

گونه‌ای که مجموعه‌های چند عنصری با ساخت منعطف تشکیل دهند. هر هویت ملی ای که نخواهد به این قاعده گردن نهد، در معرض آسیب‌های جدی بسیاری قرار گرفته و در نهایت در هم خواهد شکست (قادری، ۱۳۸۱: ۱۰).

ویژگی مهم و مثبت فرهنگ ایرانی، تعامل سازنده و پویایی است که با فرهنگ‌ها و گرایش‌های وارداتی دارد. مردم ایران، این ورودها، دخالت‌ها و تهاجم‌ها را با جذب، بازسازی یا هماهنگ‌سازی آنها با فرهنگ خود، پاسخ داده‌اند؛ یعنی فرهنگ و ذخایر تمدن ایرانی با این تهاجم‌ها و تداخل‌ها به کنش و واکنش سازنده پرداخته، برای رشد و بالندگی خود از عوامل بیرونی استفاده می‌کند؛ به طوری که این امر موجب انحطاط آن نمی‌شود (خان محمدی، ۱۳۸۸: ۱۳).

نمونه تطابق فرهنگ ایرانی با محیط اطراف را می‌توان در ارگ بم یافت. "در ارگ بم، یادگارهایی از آتشکده و در کنار آن بازاری از یهودیان و در حلقه‌های وسیعتر، مساجدی از فرّق مسلمانان موجود است. اینها نشان می‌دهند که عنصر ایرانی چگونه ابتدا به اسلام گرایش پیدا کرده و شعله کوچک آتشکده در پرتو اسلام مفروغ گشته و سپس با گرایش به جوهره اسلام؛ یعنی تشیع، گوهر پاک خویش را به منصفه ظهور رسانده است. وجود بازار یهودیان در داخل ارگ بم نشان‌دهنده روح بلند ایرانی و همزیستی مسالمت‌آمیز ملت ایران با سایر ادیان و ملت هاست" (خان محمدی، ۱۳۸۸: ۲۵).

شاید بتوان گفت که وجود این چندگانگی فرهنگی، حاکی از ظرفیت بسیار ترکیب‌پذیری، ترکیب‌سازی و توانایی اشتقاق‌پذیری ایرانیان است. این شرایط موجب شده است تا مردم ایران حتی در مقاطع مهم و سرنوشت‌ساز تاریخی عناصر فرهنگی مختلف را پیگیری، احیا و بازتولید نمایند. از نشانه‌های مهم این تعامل و ترکیب‌گرایی مستمر، تأثیر مستقیم دخالت عنصر مذهب و مراجع مذهبی (هویت مذهبی) در امر کنترل جمعیت (به عنوان یک عنصر هویت جدید) در سال‌های دهه هفتاد، و برخی مسائل جدید در کنار حضور قوی مسأله هنجاری عفت و توجه جدی به حدود شرعی و

هم اکنون نیز به نظر می‌رسد در سبک زندگی ایرانیان، عناصر متعدد مدرنیته (نه به عنوان نظر و نگرش، بلکه در عمل و اقدام جاری) توانسته است به شیوه‌های کاملاً هماهنگ با سایر عناصر هویت فرهنگی جمعی ایرانیان تعامل داشته باشد و کنشگران به خوبی از عهده ترکیب و نزدیک کردن مدرنیته با عناصر سنتی برآیند (صدیق سروستانی و حاجیانی، ۱۳۸۷: ۵۱).

بر مبنای نظریه کنش متقابل نمادین نیز، وجود تنوع در هویت و چندضلعی بودن آن، قابل توجیه و تبیین است. در واقع این نظریه تمهیدات لازم را برای پذیرش واقعیت هویت ترکیبی فراهم می‌سازد؛ زیرا بر این نکته تأکید دارد که خود، ماهیتی باز دارد و افراد براساس مواضع و پایگاه‌های اجتماعی متنوع خود و نیز فرایندهای جامعه‌پذیری، می‌توانند وجوه متعددی را در شاکله هویتی خود ایجاد کنند و میان آنها سازگاری به وجود آورند. براساس این نظریه، کنشگران می‌توانند بین ابعاد مختلف هویتی خود تعادل برقرار نمایند. بنابراین، هویت جمعی، ماهیتی ترکیبی دارد و میان این ابعاد هماهنگی، تعامل و تعادل وجود دارد؛ هر چند این فرض مانع از آن نیست که افراد در هر موقعیت خاص و در جریان عمل جاری خود، هویتی معین را به طور مقطعی فرا بخوانند. در واقع، شرایط ساختاری و تاریخی ایران موجب شده است هویت‌های جمعی، به تدریج در درون فرد وارد و درونی شود و بین آنها نوعی تطابق و سازگاری به وجود آید. این وضعیت به معنای فقدان یا حداقل اخلال، پاره پاره شدن، قطبی شدن و تداخل منفی بوده است. از این رو هویت،

پیامد بزرگی دارد، اما شواهد بسیاری وجود دارد که همیشه چنین نظمی حکمفرما نیست و ممکن است عوامل کوچک پیامدهای بسیار بزرگی داشته باشند، اما از این دیدگاه می‌توان نقش رفتارهای فردی و کوچک را در شکل‌گیری هویت جامعه ایرانی مهم ارزیابی کرد که برخی نمونه‌های آن مؤید این ادعاست.

از این دیدگاه برای هویت‌سازی تأکید بر عوامل کلانی، همچون: مدرسه، دانشگاه، نهادهای سنتی و جدید، نخبگان و... چندان راهگشا نیست، بلکه با وجود افزایش مهارت‌های تحلیلی تک تک افراد به علت گسترش فناوری‌های نوین ارتباطی، عوامل کوچکتری همانند رفتارهای کوچک شهروندان است که هویت را شکل می‌دهد. بر این اساس، راه حل نهایی در درون جامعه است و راه حل‌هایی که در ادامه مقاله ارائه شده است نیز بر همین عوامل کوچک و درونزا تأکید می‌کند.

از دیدگاه آشوب و براساس ویژگی اثر پروانه‌ای هر رفتار کوچک و بزرگی مهم است و تفاوتی میان رفتارهای افراد مشهور و غیر آن ندارد و این دیدگاه در نظریه فراکتال در هندسه مندلبروت نیز تأیید شده است که می‌گوید جزء شبیه کل است. بنابراین، هر رفتار کوچک شبیه کارهای بزرگ افراد است و رفتارهای کوچک ما (جزء) توسعه کشور (کل) را شکل می‌دهد (اکوانی و موسوی نژاد، ۱۳۹۱: ۵۲۱).

نوع پوشش ویژه بانوان ایرانی نیز حکایت از همین خصلت سیستم‌های آشوبی دارد. هر چند مدل‌های گوناگونی از لباس بانوان در ایران کنونی متداول است، اما هوش جمعی ایرانیان آنان را به این سمت سوق داده است. هر چند مشخص نیست اولین کسی که در ایران از مانتو، شلوار و مقنعه استفاده کرد کیست، اما می‌توان این‌گونه تصور کرد که با توجه به شرایط گوناگون روز، زنان ابتدا به طور تصادفی انتخاب‌های متنوعی داشتند تا لباس مناسب جدیدی بیابند. یکی از آنان چنین انتخابی کرد، این انتخاب از سوی زنان دیگری تشویق شد و زنان دیگر وقتی این لباس را می‌پابند،

ترکیبی ایرانیان دارای ذاتی آمیزشی، سازگار، متعادل و در حال داد و ستد و تا حدودی همپوشانی است. برای ادامه این استدلال ضرورت دارد به تاریخ طولانی شکل‌گیری، استقرار و نهادینه شدن ابعاد هویت جمعی در ایران اشاره کرد؛ اما به اجمال می‌توان گفت که تحقق بیرونی و استمرار هویت‌های جمعی در جامعه ایران بر اثر تاریخ طولانی هر کدام، برخوردار از پشتوانه قدرت سیاسی در مقاطع زمانی متفاوت، (که موجب تحکیم هویت خاص در هر دوره و بقای آن در آینده شده)، حجم مبادلات و تعاملات فرهنگی اجتماعی (روابط بین فرهنگی) و همزیستی در جغرافیای مشترک بوده است (صدیق سروستانی و حاجبانی، ۱۳۸۷: ۳۹-۴۰).

اینک کثرت‌گرایی لازم برای پذیرش خودفهمی‌ها و هویت‌های گوناگون، نیازمند بستر مشترک و متنوع‌تر است. در این معنا، چارچوب‌های سیاسی، پیشینه تاریخی و فرهنگی، فرهنگ و زبان فارسی همراه با تعلقات حساس و گاه شکننده اقلیت‌ها و گروه‌های قومی و زبانی و مذهبی دست به دست یکدیگر می‌دهند و حداقلی از هویت ملی ایجاد می‌کنند (بشیری، ۱۳۸۱: ۱۱). با الگوگیری از این ویژگی سیستم‌های پیچیده می‌توان به این نتیجه رسید که هویت ایرانی-اسلامی در آینده، ساختار درونی و عملکرد خود را در پاسخ به شرایط خارجی تغییر خواهد داد. در این شرایط، عناصر هویت جامعه ایران به برخی دیگر از عناصر آن سازمان خواهند تا به یک ثبات برسد. نشانه‌های آن را هم می‌توان در عناصر هویتی غیرزنده، همچون: معماری، ساختارهای سیاسی و اقتصادی، مهندسی و... یافت و هم در عناصر هویتی زنده، همچون انسان‌ها و ایده‌ها و تفکرات، جهان‌بینی، باورهای علمی، سیستم‌های هنجار و....

اثر پروانه‌ای و هویت ایرانی - اسلامی

یکی دیگر از خصلت‌های سیستم‌های پیچیده و آشوبی، ویژگی اثر پروانه‌ای است. در برداشت عمومی، همه گمان می‌بریم که هر پدیده کوچک، پیامد کوچک و هر پدیده بزرگ

مغول‌ها، عثمانی‌ها، انگلیسی‌ها، روس‌ها و آمریکایی‌ها و یک بار نیز در مقابل کل تجدد جهانی شده غرب هویت یافت و خودفهمی پیدا کرد و هر بار نیز این هویت شکل و معنای خاص خود را داشته است (بشیریه، ۱۳۸۱: ۱۰).

هویت به دلیل سیستم آشوبی خود رفتاری غیر خطی و غیر تکراری دارد و این گونه نیست که روابط میان عناصر آن دوره‌ای یا نقطه‌ای باشد، بلکه به دلیل پیچیدگی بسیار زیاد نقطه بعدی عزیمت رفتارهای هویتی روشن نیست. برای نمونه نمی‌توان تضمین کرد نوع پوشش ایرانیان در دهه‌های بعدی به شکل کنونی باشد و احتمال دارد با رفتاری عجیب به پوششی غیر از امروز برسد؛ همان گونه که در دهه‌های گذشته نیز چنین وضعیتی مشاهده شد. این وضعیت‌های عجیب محصول غیرخطی بودن روابط پدیده‌های هویتی و تعامل پذیری آنها و تأثیر پذیری از عوامل بسیار کوچک (اثر پروانه‌ای) است.

خودترمیمی هویت اسلامی ایرانی در برخورد با تمدن غرب

هویت ایرانی در طول تاریخ با فراز و نشیب‌های گوناگونی مواجه بوده است که این امر مخصوصاً در صد سال اخیر چالش‌هایی را در حیات سیاسی این کشور به وجود آورده است. در این میان، رویارویی با مدرنیته و شکل‌گیری لایه‌ای سوم در هویت ایرانی در کنار لایه‌های باستانی و اسلامی چالش فکری مذکور را تشدید کرده است؛ به گونه‌ای که می‌توان تحولات سیاسی اجتماعی معاصر در ایران را نتیجه نحوه تعامل یا تقابل و تعارض لایه‌های هویتی فوق دانست (اشرفی، ۱۳۷۸: ۱۰۶).

در کنار مفهوم خودسازماندهی، مفهوم دیگری در ادبیات این نظریه گسترش یافته است که خودترمیمی نام دارد و به نظر می‌رسد می‌تواند پیشنهادی سودمندی در این زمینه ارائه کند. از این رو، در ادامه این تحقیق پرسیده می‌شود آیا همانطور که سیستم‌های بیولوژیکی قادر به چنین رفتاری

گاه انتخاب‌های دیگر را رها کرده آن را دنبال می‌کنند. سپس اگر متناسب با نیازهای آنان بود، به محیط بیرون بر می‌گردند و دیگران نیز این انتخاب را مشاهده می‌کنند و زنان بعدی نیز به دلیل نیکو دانستن آن کار زنان قبل را تکرار می‌کنند و این باعث بزرگتر شدن علاقه‌مندان به این سبک خاص از لباس پوشیدن، تکرار آن از سوی دیگر اعضای گروه و در نهایت جزئی از هویت آنان می‌شود.

این اتفاق به گونه‌ای دیگر نیز در حال رخ دادن است. در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی پیشنهادهای گوناگون پوشش، هر روزه از سوی کاربران معرفی می‌شود. این پوشش هزاران بار بازنشر و ده‌ها هزار نفر ممکن است آن را بپسندند و انتخاب کنند.

امروزه بسیاری از واژگان از کوچه و بازار و از سوی مردمان عادی رایج می‌شود. نگاهی به گسترش واژگانی همچون مخ‌زنی، دودره باز، اسکول کردن، زیرمیزی و... نشان‌دهنده نقش مؤثر اعضای جامعه در هویت‌سازی است.

یکی از جنبه‌های دیگر اثر پروانه‌ای، تأثیر عوامل کوچک بر کل سیستم است که در این مورد می‌توان بر نقش تأسیس دارالفنون در دوره قاجاریه بر تحولات هویتی ایران، کشف حجاب در دوره رضاشاه بر ساختار هویتی پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ اشاره کرد.

بر این اساس است که هویت، خصلت آشوبی پیدا می‌کند و ممکن است در دهه‌های آینده عامل بسیار کوچکی کل ساختار هویتی را دگرگون سازد؛ عاملی همچون تأسیس دارالفنون در دوره قاجاریه یا نوشته‌ای، عکسی، فیلمی، سخنی و هر پدیده هویتی فرهنگی در عصر ما که در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌شود.

جاذبه‌های غریب و هویت ایرانی - اسلامی

اساساً هویت و خودفهمی‌ها امری سیال، چند پاره، ناتمام و متغیر است. هویت‌ها و خودفهمی‌ها در مقابل دیگران شکل می‌گیرند. ایران در طول تاریخ در مقابل مقدونیان، اعراب،

این ویژگی نیز یکی از رموز جاذبه برخی از منابع هویت‌ساز است.

۴- پیوند با مناسبات قدرت: در این جا مراد از قدرت، توانایی یک شخص، یک گروه، یک کشور و ... برای محقق ساختن امور مطلوب خویش است (قریشی، ۱۳۸۱: ۳۷-۵۸).

فرهنگ ایرانی، علی‌رغم مواجهه با بحران‌های مهمی، همچون: بحران هلنی، بحران ترکی و بحران عربی، کلیت خود را حفظ نموده، توانست عناصر بیگانه را بدون اینکه ماهیت ایرانی خود را از دست بدهد، جذب و هضم نماید (خان‌محمدی، ۱۳۸۸: ۳). این هضم و جذب هویت و به عبارتی خودترمیمی آن به شکل: ۱- پیوند خوردن با اعتقادات گذشته ما (اسلام با عرفان ایران باستان، یا ضرورت مجلس با قانده اهل حل و عقد در اسلام)؛ ۲- جذب و پذیرش نظریه‌های برتر (دین وحدانی اسلام به جای دین زرتشتی، یا حکومت دمکراسی به جای سلطنتی)؛ ۳- پیوند با مناسبات قدرت (پذیرش سیستم خلیفه‌گری عباسی از سوی حکومت قدرتمند ایرانی آل بویه و تأثیرگذاری بر آن، یا پذیرش حکومت خلفای عباسی توسط وزرای ایرانی و تضمین هویت ایرانی از این راه) یا ۴- جذب ارزش‌های عاطفی جدید (همانند برابری و برادری که از اسلام می‌آمد یا پذیرش ارزش آزادی بیان در دوره معاصر) صورت گرفت. این مکانیزم‌ها که به ترمیم هویت آسیب دیده ایرانی پرداخت، ضامن حیات فرهنگی ایرانیان شد که همچنان هم ادامه دارد.

می‌توان به نمونه‌های دیگری در همین رابطه اشاره کرد؛ از جمله "با شکل‌گیری گفتمان هویت ملی، که اول بار میرزا آقاخان مطرح کرد، از یک طرف به دوران پیش از اسلام با دیده گذشته تاریخی باشکوهی که باید احیا شود، نگرسته می‌شد و از طرف دیگر، غرب و دستاوردهای علمی آنان به مثابه ابزارهایی که برای جبران قرن‌ها انحطاط و قرارگرفتن مجدد در قافله تمدن به آنها نیاز داریم، در نظر گرفته شد. اندیشه تأسیس دولت جدید، دستگاه‌های اداری جدید و نیز مراکز علمی ریشه در تلاش روشنفکران برای برون رفت از

هستند نظام‌های پیچیده دیگری همچون یک جامعه انسانی نیز می‌تواند با مکانیزم‌های خودترمیمی با محیط سازگار شود و می‌تواند به شناخت عیب‌ها و درمان آنها بدون دخالت عوامل بیرونی پردازد؟ در ابتدا باید پرسید فرایند خودترمیمی هویت چگونه صورت می‌گیرد؟ یا سؤال را این‌گونه مطرح کرد که یک هویت در برابر عناصر جدید که عناصر قدیمی را دچار آسیب کرده‌اند، چگونه واکنش نشان می‌دهد.

منابع هویت ساز از چهار طریق ممکن است برای ما جاذبه پیدا کرده، زمینه تحول در هویت ما را فراهم نماید: ۱- برتری‌های نظری: منظور از برتری‌های نظری، توانایی یک منبع هویتی در پاسخگویی به نقدهای عقلانی است. معیار و ملاک نقدها بسته به نوع اندیشه‌ای که به عنوان منبع هویت‌ساز مطرح شده‌اند، متفاوت است. برای مثال، در زمینه اندیشه‌های متافیزیک، ضرورت عدم تناقض و اتکای نهایی به بدیهیات عقلی و در مورد اندیشه‌های علمی، ابطال‌پذیری تجربی، از جمله ملاک‌ها و معیارهای نقد عقلانی هستند. اندیشه‌هایی که شایستگی بیشتری در برابر نقد عقلانی از خود نشان می‌دهند، مطلوب‌تر جلوه می‌کنند. در واقع، با نقد عقلانی، مقام و رتبه نظری اندیشه‌ها مشخص و میزان "درستی" و "صحت" آنها تعیین می‌شود.

۲ برتری‌های احساسی و یا عاطفی: هر منبع هویت‌سازی ممکن است دارای یک وجه احساسی و یا عاطفی بوده و رمز موفقیت آن نیز در همین وجه نهفته باشد. منابعی در این عرصه بیشترین امتیاز را کسب می‌کنند که از زیبایی بیشتری برخوردار باشند؛ چراکه احساس و عاطفه مجذوب زیبایی می‌شوند. شایان ذکر است که درک زیبایی، درکی فراتر از ادراکات علمی و عقلی است و امر زیبا بدون هیچ گونه استدلال علمی و عقلی برای آدمی مطلوب است. از این رو صحنه‌های احساس برانگیز طبیعی، فضایل اخلاقی، ارزش‌های متعالی بشر و ... همه از جمله مصادیق پدیده زیبایی هستند.

۳- پیوند با اعتقادات ما: گاهی یک منبع هویت ساز به خاطر همسویی با اعتقادات ما بر منابع دیگر ترجیح داده می‌شود و

نشان‌دهنده علاقه هویتی آنان است (همچون استفاده از نام امامان، شاهان ایران و ...) با نوشتن کتیبه‌هایی به بیان نظریات خود می‌پردازند. این کتیبه در صورت جذابیت از سوی بسیاری دیگر نیز باز نشر می‌شود و بسته به تعداد اعضای گروه‌ها ممکن است هزاران نفر یک مطلب و اظهار نظر شخصی، یک عکس یا هر مطلب دیگری را ببینند و با کامنت‌گذاری در آن به بیان نظریات خود و اصلاح آن بپردازند. این فرایند همواره و تا بی‌نهایت ادامه دارد. در فیس‌بوک نیز چنین شیوه‌ای در میان گروه‌های هویتی گوناگون به کار می‌رود. یکی دیگر از امکانات خودترمیمی در فضای مجازی سایت ویکی‌پدیاست. این سایت که بدون مدیریت مرکزی و به صورت خودسازماندهی مدیریت می‌شود، به نوعی به خودترمیمی هویتی ایران می‌پردازد. نگاهی به تعریف این ویکی‌پدیای خودسازمان یافته از واژگان و عناصر هویتی همانند: زن، مرد، هویت، علم، حجاب، اشخاص مقدس، قرآن، نهج‌البلاغه، حافظ و تعداد نامتناهی از این واژگان نشان می‌دهد جامعه فارسی زبان به صورت خودسازمان یافته‌ای دارد تعریف خود را از دنیای اطراف هر روز ترمیم و بازترمیم می‌کند، بدون آنکه از سوی سازمانی مرکزی هدایتی دریافت نماید. گوگل نیز چنین نقشی را در خودترمیمی هویت ایفا می‌کند. این نقش به وسیله تک‌تک افرادی که در فضای مجازی مطلبی می‌نویسند، صورت می‌گیرد.

هم اکنون یکی از ابزارهای قدرتمند برای خودترمیمی هویت، شبکه‌های اجتماعی و نیز ویکی‌های گوناگونی است که در فضای مجازی مشغول فعالیت هستند؛ حتی خبرگزاری‌های کشور نیز به قابلیت‌های جدیدی مجهز شده‌اند که می‌تواند نظرهای خوانندگان خبر (که گاهی وقت یک عنصر هویتی است) را منتشر کنند. در این میان، چون به طور معمول همه افراد نظر واحدی ندارند، در زیر هر خبر گفت‌وگوهایی بین خوانندگان رخ می‌دهد که خود خبر در برابر کامنت‌ها و نظرهای خوانندگان حاشیه می‌شود و در این بخش به نوعی همه با هم به رایزنی می‌پردازند که در نهایت

وضع موجود دارد" (گلچین و همکاران، ۱۳۹۰: ۷۵-۱۰۵). به این ترتیب، هویت ایرانی توانست از آسیبی که از تمدن جدید ناشی می‌شد، محفوظ بماند؛ همچنانکه در گذشته نیز از آسیب‌های مشابه سالم مانده بود. مثلاً پس از ورود اسلام به ایران توانست با فرهنگ تشیع و پیروی از ائمه (ع)، خود را از اعراب مهاجم متمایز کند و در عین حال مسلمان بماند و با انتخاب خط عربی در کنار زبان فارسی، پیوند خود را با گذشته ایرانی خود حفظ کند؛ همچنانکه از فرهنگ قرآنی نیز بهره می‌برد. در اینجا زبان فارسی به عنوان عنصری است که از آسیب‌های حمله قومی مهاجم در امان مانده بود و توانست ما را با گذشته پیوند دهد. در جدیدترین نوآوری ایرانیان برای ترمیم هویت آسیب دیده می‌توان به مفهوم مردم سالاری دینی اشاره کرد که در قالب جمهوری اسلامی و ولایت فقیه توانست کار ترمیم هویت ایرانی پس از برخورد با تمدن غربی را انجام دهد. این ترمیم با کمک عنصری از هویت ایرانی صورت گرفت که همان فقه تشیع بود.

هویت - ایرانی اسلامی پس از برخورد با تمدن غرب و نیازهای جدید دچار آسیب‌ها، زخم‌ها و چالش‌هایی شد که بدون استفاده از عوامل بیرونی به ترمیم خود پرداخت. این ترمیم می‌توانست در تغییر برخی عناصر باشد، تغییر پوشش زنان از برقع به مقنعه، علوم سنتی گذشته به علوم جدید دانشگاهی، پیدایش هنرهای جدید، موسیقی و بسیاری از دیگر عناصر دچار تغییراتی شد که حیات هویت - ایرانی اسلامی را دوباره تضمین کرد، بدون آنکه از عوامل بیرونی کمکی دریافت کرده باشد و این کار تنها با مکانیزم‌های درونی خود سیستم امکان‌پذیر شد.

هم اکنون خودترمیمی هویت در فضای مجازی نیز مشهود است. گروه‌های هویتی گوناگونی در فضاهای مجازی همچون فیس‌بوک و کلوب که دو شبکه اجتماعی پرطرفدار در ایران هستند به روش‌های مختلفی در حال کشف آسیب‌های هویتی و درمان آن هستند. برای نمونه، در سایت اجتماعی کلوب، افرادی با نام‌های مختلف که بسیاری وقت

مکانیزم‌های ترمیم هویت ایرانی - اسلامی

مکانیزم تشویق - تکرار (مکانیزم خودترمیم): در این مکانیزم که از رفتار گروه مورچه‌ها و در کل، سیستم‌های خودسازمانده می‌توان آموخت، با ایجاد مکانیزم‌های تشویق و تکرار می‌توان به خلق رفتارهای هویتی پرداخت. سیستم‌های خودسازمانده بیش از همه در میان موجوداتی مشاهده می‌شود که به حشرات اجتماعی معروف و دارای هوش جمعی یا ازدحامی هستند. هوش جمعی به عنوان توانایی یک گروه برای حل مشکلات بیش از افراد آن تعریف شده است. استدلال شده است که موانع ایجاد شده توسط محدودیت‌های شناختی فردی و مشکل هماهنگی را می‌توان با استفاده از یک نقشه ذهنی جمعی برطرف کرد (Heylighen, 1999).

این سامانه‌ها معمولاً از جمعیتی از کنشگران ساده تشکیل شده است که به طور محلی با یکدیگر و با محیط خود در تعامل هستند. با اینکه معمولاً هیچ کنترل تمرکز یافته‌ای، چگونگی رفتار کنشگران را به آنها تحمیل نمی‌کند، تعاملات محلی آنها به پیدایش رفتاری عمومی می‌انجامد. مثال‌هایی از چنین سیستم‌های را می‌توان در طبیعت مشاهده کرد: گروه‌های مورچه‌ها، دسته پرندگان، گله‌های حیوانات، تجمعات باکتری‌ها و دسته‌های ماهی‌ها. ریشه‌های هوش جمعی عمیقاً در مطالعه بیولوژیک رفتار خودسازمان یافته در حشرات اجتماعی مشاهده شده است (ویکی پدیا فارسی).

همان طوری که هر مورچه با برجاگذاری ردی از فرومون (ماده‌ای حساس و لذت‌بخش برای مورچه‌ها) به تشویق دیگر اعضای گروه برای تقویت و تکرار مسیر رفته شده می‌پردازد، با چنین مکانیزمی می‌توان به تکرار یک رفتار هویتی در جامعه اقدام کرد. این مکانیزم که می‌تواند مکانیزم تشویق - تکرار نام‌گذاری شود، در سیستم‌های خودسازمانده و خودترمیم مشاهده می‌شود. بر این اساس، جامعه معمولاً از جمعیتی از کنشگران ساده تشکیل شده است که به طور محلی با یکدیگر و با محیط خود در تعامل هستند. با اینکه معمولاً هیچ کنترل تمرکز یافته‌ای، چگونگی رفتار کنشگران را به آنها

منجر به خودترمیمی آن عنصر هویتی می‌شود؛ مثلاً در هفته‌های اخیر خبرگزاری‌ها خبری در زمینه نظر مراجع تقلید برای استفاده از تلفن تصویری منتشر کردند که باعث شد افراد بتوانند در بخش نظرها، دیدگاه‌های خود را درباره اصل خبر، نظر مراجع و نظرات دیگر خوانندگان بیان نمایند و به گونه‌ای مکانی برای گفت‌وگو و مناظره شد.

فرایند ترمیم هویت با بهره‌گیری از هوش جمعی تک تک افراد جامعه به اجماع و خودهماندی منجر می‌شود. بر این اساس، جامعه که معمولاً از جمعیتی از کنشگران ساده تشکیل شده است و به طور محلی با یکدیگر و با محیط خود در تعامل هستند، با اینکه معمولاً هیچ کنترل تمرکز یافته‌ای، چگونگی رفتار آنان را تعیین نمی‌کند، اما تعاملات محلی آنها به پیدایش رفتاری عمومی می‌انجامد. در دهه‌های آینده اجماع بیشتری بر روی رفتارهای هویتی صورت خواهد گرفت که از فروپاشی سیستم جلوگیری می‌کند؛ اجماعی که با استفاده از یک نقشه ذهنی جمعی به دست خواهد آمد.

از این دیدگاه، هویت جامعه ایرانی در دهه‌های آینده نیز خطا یا آسیب‌دیدگی ناشی از جهانی شدن را شناسایی و سپس بر روی آن کار خواهد کرد، اختلال در عملکرد سیستم را شناسایی و سیاست‌های مبتنی بر اقدامات اصلاحی را آغاز آنها را بدون اخلال در محیط به اجرا می‌گذارد. این اقدام‌های اصلاحی ممکن است شامل تغییر در یک عنصر خاص و یا تغییرات مؤثر در همه عناصر هویتی باشد. بخش‌های باقی‌مانده از هویت راه را برای ادامه کار بدون بخش معیوب پیدا خواهند کرد. این بخش‌ها می‌تواند هم در داشته‌های گذشته یافت شود، هم در دستاوردهای نوین. برای نمونه فقه اسلامی، فلسفه، عرفان و اجزای آنها می‌توانند این آسیب‌دیدگی‌ها را شناسایی و بر روی آن کار کنند؛ همچنانکه در صد سال گذشته نیز چنین شد. دستاوردهای نوین عرفا، فقها و فلاسفه نیز می‌تواند اقدامات بهبودی سیستم را به انجام رسانند؛ همچنانکه آرای فقهایی مثل امام خمینی و آیت الله نائینی در زمینه سیاست، چنین عملکردی داشته‌اند.

است که، پروسه یک فرآیند تطبیقی است. از آنجا که رفتار هیچ یک از اعضای جامعه، روشن نیست و تعدادی از افراد همچنان انتخاب‌های دیگری را برمی‌گزینند، هویت می‌تواند خود را با تغییرات محیط منطبق کند و ویژگی آخر اینکه این پروسه هویت‌سازی غیرمتمرکز قابل توسعه است و می‌تواند به اندازه دلخواه بزرگ شود و تا بی‌نهایت ادامه یابد.

نتیجه دیگری که از این تحقیق می‌توان گرفت، سودمندی مکانیزم تشویق-تکرار و کارآمدی کم مکانیزم اجبار تکرار است. در این راستا و با استفاده از مفهوم اثر پروانه‌ای و نقش عوامل کوچک می‌توان گفت در دوره جدید نهادهای هویت‌ساز (دانشگاه-مدرسه و ...) کارآمدی چندانی برای شکل بخشی به هویت ندارند، بلکه تک تک انسان‌های پراکنده هستند که به هویت شکل می‌دهند. این نهادها در صورتی می‌توانند در هویت‌سازی نقش بیشتری داشته باشند که تک تک افراد بتوانند در سیاست‌گذاری نهادها دخالت داشته باشند و در نهایت، این هوش جمعی جامعه است که آنان را به سمت بهترین انتخاب هویتی می‌کشاند.

یکی از نتایجی که از این تحقیق می‌توان بر گرفت، ویژگی خودترمیمی هویت ایرانی - اسلامی است. بر این اساس، این هویت از اجزایی ترکیب یافته است که باهم یک سیستم را به وجود آورده‌اند. هم اکنون که بخش‌هایی از این هویت با چالش‌هایی از سوی دیگر هویت‌ها مواجه شده‌اند، دیگر بخش‌های هویت که آسیبی ندیده‌اند، همچنان پویا خواهند ماند و همچون سیستم‌های پیچیده به خودترمیمی خواهند پرداخت؛ همچنانکه در صد سال گذشته نیز چنین بوده است. برای نمونه، هنگامی که سیستم سیاسی ایران در ۱۰۰ سال اخیر مورد حمله تمدن غرب قرار گرفت، فقه شیعه به عنوان یکی از اجزای این هویت توانست با پیشنهادهایی نوین به زنده بودگی هویت و خودترمیمی آن پردازد و شکل‌گیری نظامی نوین با عنوان جمهوری اسلامی نیز در همین راستا قابل تحلیل و ارزیابی است. به نظر می‌رسد دیگر اختلال‌هایی که برخی از آن به عنوان بحران هویت یاد می‌کنند

تحلیل نمی‌کند، تعاملات محلی آنها به پیدایش رفتاری عمومی می‌انجامد. مثال‌هایی از این مکانیزم را می‌توان در ترویج مدهای لباس، مو و ... واژگان خاص، نوع پوشش و مواردی از این دست یافت.

مکانیزم اجبار-تکرار: مکانیزم اجبار-تکرار را نمی‌توان در سیستم‌های پیچیده، خودسازمانده، خودترمیم و آشوبی یافت. این مکانیزم در رفتار انسان‌ها بیشتر مشاهده می‌شود. نمونه‌ای از این مکانیزم را می‌توان در اصلاحات اجبارآمیز دوره رضاشاه در ایران یافت که به صورت اجبارآمیز، طرح‌هایی مانند: تخته قاپو، تغییر لباس، کشف حجاب و برخی دیگر از رفتارهای هویتی به اجرا گذاشته شد. این مکانیزم براساس یافته‌های تاریخی ممکن است به تکرار یک رفتار هویتی بینجامد، اما معمولاً شورش‌های اجتماعی، انقلاب و چالش‌هایی از این دست برای نظام سیاسی را به همراه دارد که نمونه‌های تاریخی آن به فراوانی یافت می‌شود.

نتیجه‌گیری

هویت‌سازی پدیده‌ای جمعی است؛ به گونه‌ای که همگان می‌توانند در شکل‌گیری آن نقش داشته باشند. هویت جامعه همچون موجودی زنده و پویاست که لحظه به لحظه به سوی تعالی پایان‌ناپذیری پیش می‌رود. جامعه همچون انسان واحد خردمندی است که سلول‌های پیکره‌اش از میلیون‌ها تک‌انسان ارگانیک تشکیل یافته است و با رفتارها، اندیشه‌ها و باورهای تک تک افراد است که هویت این جامعه شکل می‌گیرد.

پدیده هویت‌سازی به شیوه خودسازماندهی ویژگی‌های بسیار جالبی دارد: اول از همه قابلیت تعمیم زیاد و خودسازمانده بودن آن است، چون هیچ مکانیزم کنترل مرکزی برای مدیریت آن وجود ندارد و براساس خودمدیریتی عمل می‌کند. ویژگی دوم قدرت زیاد این گونه هویت‌سازی است. جامعه شامل تعداد زیادی از عواملی است که به تنهایی بی‌اهمیت هستند، بنابراین حتی تلف شدن یک عامل مهم، تأثیر زیادی روی کارایی سیستم ندارد. سومین ویژگی این

سیاسی در ایران»، فصلنامه مطالعات ملی، سال سوم، ش ۱۱، ص ۱۱۷-۱۲۸.

پرتوی، اصغر. (۱۳۷۴). «بحران هویت و سیاست‌های توسعه در ایران»، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق(ع)، ش ۱، ص ۶۳ - ۸۸.

حسین‌زاده، فهیمه. (۱۳۸۰). «گروه‌های قومی ایران، تفاوت‌ها و تشابه‌ها»، مطالعات ملی، ش ۸، ص ۴۳-۶۸.

خان‌محمدی، کریم. (۱۳۸۸). «عناصر فرهنگی پایداری ایرانیان»، فصلنامه مطالعات ملی، ش ۳۸، ص ۳-۲۸.

دیوان شمس: رباعی ۱۲۲۶.

سریع‌القلم، محمود. (۱۳۸۲). عقلانیت و آینده توسعه یافتگی ایران، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.

_____. (۱۳۸۵). اقتدارگرایی ایرانی در عهد قاجار، تهران: انتشارات فرزانه روز.

_____. (۱۳۸۷). فرهنگ سیاسی ایرانیان، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

_____. (۱۳۷۷). «اطلاعات سیاسی - اقتصادی»، ش ۱۳۵ و ۱۳۶، ص ۳۴-۴۳.

صدیق سروستانی، رحمت‌الله و حاجیانی، ابراهیم. (۱۳۸۷). «مطالعه تجربی منابع هویت ایران»، فصلنامه مطالعات ملی، ش ۳۴، ص ۳۱-۵۲.

قادری، حاتم. (۱۳۸۱). «چالش‌های دولت و هویت ملی در گذشته و حال»، فصلنامه مطالعات ملی، سال سوم، ش ۱۱، ص ۱۲۹-۱۴۲.

قریشی، فردین. (۱۳۸۱). «جهانی شدن و تحول در تصور ما از خویشتن»، فصلنامه مطالعات ملی، سال سوم، ش ۱۱، صص ۳۷-۵۸.

گلچین، مسعود؛ توفیق، ابراهیم و خورسندی، زهره. (۱۳۹۰). «تحلیل گفتمان روشنفکران ایرانی درباره علوم جدید (از تأسیس دارالفنون تا تأسیس دانشگاه تهران)»، فصلنامه مسائل اجتماعی ایران، ش ۳، ص

نیز با این ویژگی سیستم‌های پیچیده بهبود خواهند یافت. بر این اساس، اجزای این سیستم به صورت خودکار و با مکانیسم‌های درونی، فرایندهای متعادل‌کننده هویت را کنترل می‌کنند. این فرایند ممکن است زمان بر باشد، ولی می‌توان آن را با ابزارهای جدیدی همچون شبکه‌های اجتماعی و ویکی‌ها (ویکی‌فقه، ویکی‌پدیا و ...) کمک کرده، شتاب بخشید. یکی از مکانیزم‌های اثرگذار در خودترمیمی بخش آسیب دیده هویت می‌تواند مناظره و گفت‌وگو باشد که رسانه‌های نوین و شبکه‌های اجتماعی بهترین ابزار این مناظره‌ها هستند.

منابع

آبراهامیان، یرواند. (۱۳۸۷). ایران بین دو انقلاب، مترجمان: فیروزمند، کاظم و شمس‌آوری، حسن و مدیرشانه‌چی، محسن، تهران: نشر نی.

اشرفی، اکبر. (۱۳۷۸). «مسأله هویت ایرانی در ایران معاصر»، مطالعات سیاسی، ش ۱، ص ۱۰۵-۱۲۰.

اکوانی، سید حمدالله و موسوی‌نژاد، سید ولی. (۱۳۹۲). «نگرشی نو به نظریه توسعه»، مجموعه مقالات دومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تهران، ص ۵۱۵-۵۴۰.

الوانی، سید مهدی. (۱۳۷۸). «بازتاب جلوه‌های نظریه بی‌نظمی در مدیریت»، مجله مطالعات مدیریت بهبود و تحول، ش ۲۱ و ۲۲، ص ۳۸-۵۳.

الوانی، سید مهدی و دانایی‌فرد، حسن. (۱۳۷۸). «تصمیم‌گیری از نگاه نظریه آشوب»، تحول اداری، دوره پنجم ش ۲۱، ص ۱۲-۲۵.

الهی، محبوبه. (۱۳۸۹). «لباس به مثابه هویت»، فصلنامه مطالعات ملی، ش ۴۲، ص ۳-۳۰.

اعتباریان، اکبر. (۱۳۸۶). «تغییر سازمانی از دیدگاه نظریه آشوب: نظم در آشوب»، مجله تدبیر، ش ۱۹۰، ص ۳۵-۴۰.

بشیری، حسین. (۱۳۸۱). «تحول خودآگاهی‌ها و هویت‌های

- Cartwright, T.J.(1991) "Planning and Chaos Theory", *Journal of the American Planning Association*, 57(1), p. 44-56. ۱۰۵-۷۵
- Debanjan Ghosh, Raj Sharman, H. Raghav Rao, Shambhu Upadhyaya (2006) Self-healing systems ~ survey and synthesis Available online in "<http://www.som.buffalo.edu/isinterface/papers/Self-healing%20systems.pdf>"
- Hedi Karray, M. Ghedira, C. and Maamar, Z. (2011) "Towards a Self-Healing Approach to Sustain Web Services Reliability" Author manuscript, published in "IEEE Workshops of International Conference on Advanced Information Networking and Applications, WAINA., Singapur".
- Heylighen, Francis (1999) "The Science of Self organization and Adaptivity" pcp.lanl.gov/papers/EOLSS-Self-Organiz.pdf.
- Heylighen, Francis. (1990) "Collective Intelligence and its Implementation on the Web: Algorithms to Develop a Collective Mental Map" *Computational & Mathematical Organization*, Theory October 1999, Vol. 5, Issue 3, p 253-280.
- Malone, Thomas W. Laubacher, Robert and Dellarocas Chrysanthos (2009) "Harnessing Crowds: Mapping the Genome of Collective Intelligence" MIT Center for Collective Intelligence, Massachusetts Institute of Technology Cambridge, MA, February.
- Morrison, K. (2008) *Complexity Theory and the Philosophy of Education*, A John Wiley & Sons, Ltd., Publication.
- Mehaffy, Michael and Salingaros, Nikos (2011) *Frontiers of Design Science: Self-Organization*, <http://www.metropolismag.com/pov/20111101/frontiers-of-design-science>.
- Rahimipoor, S. and Edoyan, H. (2012) "The Theme of Self and Identity in the Theater of the Absurd" *Journal of English and Literature* Vol. 3(1), p. 9-17.
- Ritchie, W. Brent (2003) "Chaos, crises and disaster: Tourism Management", vol. 23 October.
- Saha, Goutam Kumar. (2007) "Software - Implemented Self-healing System", *Cleilectronic Journal*, Vol. 10, N. 2, P. 5, <http://fa.wikipedia.org>
<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13911130000979>
- محمد علیپور، فریده. (۱۳۸۹). «معرفی و نقد کتاب: مجموعه مقالات هویت ایرانی، همایش گفتمان ایرانیان»، *مطالعات ملی* ش ۴۳، ص ۱۹۷-۲۰۴.
- ملک عباسی، منصور. (۱۳۸۱). «هندسه فراکتال در جغرافیا»، *رشد آموزش جغرافیا*، ش ۶۲، ص ۴۶ - ۴۹.
- مهری، علی. (۱۳۸۱). «کاربرد نظریه بی‌نظمی در سازمان‌ها»، *مجله تدبیر*، ش ۱۲۹، ص ۲۲ - ۲۷.
- مختاری، سحر؛ سلطانی‌فرد، هادی و یاوری، احمدرضا. (۱۳۸۸). «خودسازماندهی در تالاب هورالعظیم/هورالهویزه با تأکید بر اکولوژی سیمای سرزمین»، *پژوهش‌های جغرافیای طبیعی*، ش ۷۰، ص ۹۳ - ۱۰۶.
- ملک عباسی، منصور. (۱۳۸۱). «هندسه فراکتال در جغرافیا»، *رشد آموزش جغرافیا*، ش ۶۲، صص ۴۶ - ۴۹.
- نیکوکار، غلامحسین و قربان‌زاده، وجه‌الله. (۱۳۸۴). «مدیریت سازمان‌های بی‌نظم دانشگاه تربیت مدرس»، *مجله دانشکده علوم انسانی*، ش ۶۰، ص ۱۳-۳۱.
- هاشمی گلپایگانی، سید محمدرضا. (۱۳۸۸). *آشوب و کاربردهای آن در مهندسی، انتشارات دانشگاه صنعتی امیر کبیر*.
- Banzhaf, Wolfgang. (2000) "Self-Organizing Systems", Dept. of Computer Science, University of Dortmund, Dortmund, Germany Informatik Centrum Dortmund (ICD), Dortmund, Germany.
- Beni, G. Wang, J. (1989) "Swarm Intelligence in Cellular Robotic Systems, Proceed". *NATO Advanced Workshop on Robots and Biological Systems*, Tuscany, Italy, June 26° 3.
- Bonabeau, Eric. Dorigo, Marco. and Theraulaz, Guy (1999) "Swarm Intelligence: From Natural to Artificial Systems", New York, NY: Oxford University Press, Santa Fe Institute Studies in the Sciences of Complexity , Paper: ISBN 0-19-513159-2.

